

قدرت پرواز

درس ۵

در این درس به پاسخ این سؤال می‌خواهیم برسیم که: «اگر هیچ یک از مخلوقات در اداره جهان، با خداوند شریک نیستند، پس نقش اراده انسان چه می‌شود؟»

افتیاری، حقیقتی وجدانی و مشهود

کدام عمل اختیاری است و کدام عمل اختیاری نیست:

عمل غیر اختیاری	عمل اختیاری
حرکات قلب یک فرد برای گردش خون،	حرکات پای وی به هنگام قدم زدن،
حرکات دستی که بر اثر بیماری لرزش دارد.	حرکت دستی که خود شخص برای غذا خوردن بالا و پایین می‌آورد.

- معنای اختیار: توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است.
- اختیار، یک حقیقت وجدانی است.
- معنای حقایق وجدانی: حقایق وجدانی، اموری هستند که به قدری آشکار و بدیهی می‌باشند که هر کس بدون نیاز به هیچ دلیل و واسطه‌ای در درون خود به آن‌ها علم دارد.
- اختیار را چگونه درمی‌یابیم؟ هر انسانی آن را در خود می‌یابد و می‌بیند که شبانه‌روز در حال تصمیم‌گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است.
- آیا اختیار قابل اثبات و انکار است؟ خیر! اختیار امری اثباتی و انکاری نیست؛ چرا که امری «وجدانی» و «شهودی» است. پس کسانی که اختیار را نفی می‌کنند، در سخن و در عمل از اختیار بهره می‌برند. (شعر مولانا در همین راستاست که در کتاب درسی آمده است و از ذکر آن خودداری می‌کنیم.)

نشانه‌ها و شواهد افتیاری

۱. تفکر و تصمیم

- «تصمیم‌ها» و «تردیدها» نشانه وجود اختیار است.
- این شعر مولوی تأییدگر «تفکر و تصمیم» به‌عنوان شاهد و نشانه اختیار است:

این که فردا این کنم یا آن کنم خود دلیل اختیار است ای صنم

۲. احساس رضایت و پشیمانی

- هرگاه در کار خود موفق شویم، احساس رضایت از خود داریم. این «احساس رضایت» نشانه چیست؟ نشانه این است که کار خود را نتیجه «اراده» و «تصمیم عاقلانه» خودمان می‌دانیم.
- هرگاه در کار خود اشتباه کنیم، احساس پشیمانی می‌کنیم. این «احساس پشیمانی» نشانه چیست؟ نشانه این است که کار خود را نتیجه «اراده» و «تصمیم عاقلانه» خودمان می‌دانیم.
- رابطه علت و معلولی: «کار را نتیجه اراده خود دانستن» علت است برای این معلول: «احساس رضایت»
- رابطه علت و معلولی: «کار را نتیجه اراده خود ندانستن» علت است برای این معلول: «احساس پشیمانی»
- این شعر مولوی تأییدگر «احساس رضایت و پشیمانی» به‌عنوان شاهد و نشانه اختیار است:

گر نبودی اختیار این شرم چیست؟ این دریغ و خجلت و آزر چیست؟
و آن پشیمانی که خوردی زان بدی ز اختیار خویش گشتی مهتدی

۳. مسئولیت‌پذیری

- هر کدام از ما خودمان را مسئول کارهایی می‌دانیم که انجام می‌دهیم. در نتیجه دو اتفاق روی می‌دهد: ۱. اگر کار ما درست بود، تشویق می‌شویم؛ ۲. اگر کار ما نادرست بود، تنبیه می‌شویم. این موضوع نشان‌دهنده وجود اختیار است.
- عهد و پیمان بستن نیز مبتنی بر اختیار است.
- این شعر مولوی تأییدگر «مسئولیت‌پذیری» به‌عنوان شاهد و نشانه اختیار است:

هیچ گویی سنگ را فردا بیا ورنه نیایی من دهم بد را سزا؟
هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟ هیچ با سنگی عتابی کس کند؟

متن آیه

ما راه را به او نشان دادیم
می‌خواهد سپاسگزار باشد یا ناسپاس
(انسان / ۳)

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ
إِنَّا شَاكِرًا وَإِنَّا كَفُورًا

متن خوانی آیه

۱. مفهوم «می‌خواهد شکرگزار یا ناسپاس باشد» به انتخاب میان دو راه اشاره دارد؛ پس این آیه بیانگر اختیار است.
۲. خداوند راه درست را به انسان نشان داده است و این دیگر دست خود انسان است که آن راه را برود یا نرود.
۳. پیام ضمنی «الف»: این آیه نشان‌دهنده «هدایت ویژه انسان» است.
۴. پیام ضمنی «ب»: این آیه نشان‌دهنده هدایت الهی توسط پیامبران است. یعنی اشاره به هدایت تشریحی دارد.

متن آیه

قَدْ جَاءَكُمْ
بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ
فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ
وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا ...

به راستی آمده است نزد شما
دلایلی روشن از پروردگارتان؛
پس هر که بینا گشت به سود خودش،
و هر کس کوری پیشه کرد به زیان خودش است ...

(انعام / ۱۰۴)

تدبیر در قرآن (۱)

پس از ترجمه آیات زیر در آن تأمل کنید و توضیح دهید چگونه محتوای این آیات می‌تواند نشانی از وجود اختیار در انسان باشد؟
پاسخ: خداوند اعلام می‌کند که رهنمودها و دلایلی روشن را برای شما فرستادیم (ارسال پیامبران و وجود فطرت) اکنون شما با اختیار خودتان باید انتخاب کنید و سود و زیان این انتخاب‌تان به خودتان می‌رسد.

متن خوانی آیه:

۱. مفهوم ﴿فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ﴾ (پس هر که بینا گشت) و ﴿وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ (هر کس کوری پیشه کرد) به انتخاب میان این دو راه اشاره دارد؛ پس این آیه بیانگر اختیار است.
۲. خداوند راه درست را با رهنمودهایی به انسان ارائه کرده است و این دست خود انسان است که این راه را برود یا نرود.
۳. این آیه با آیه ﴿إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِقْمَا شَاكِرًا وَإِقْمَا كُفُورًا﴾ ارتباط مفهومی دارد و هر دو تأکید بر اختیار انسان دارند.

متن آیه

ذَلِكِ بِمَا قَدَّمْتُمْ آيِدِيكُمْ
وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ

این [عقوبت] به خاطر کار و کردار پیشین شماست،
[وگرنه] خداوند هرگز نسبت به بندگانش [خود] بیدادگر نیست. (آل عمران / ۱۸۲)

تدبیر در قرآن (۲)

پاسخ: در آیه آمده است که «عقوبت به دلیل انجام کارهای خودتان است» که با اختیار انتخاب شده‌اند، و خداوند نسبت به بندگان خودش بیدادگر و ظالم نیست.

متن خوانی آیه:

۱. ﴿ذَلِكِ بِمَا قَدَّمْتُمْ آيِدِيكُمْ﴾ نشان می‌دهد که علت وجود آتش دوزخ، گناهی است که انسان‌ها با اختیار خود انجام داده‌اند.
۲. انسان چون مختار است؛ پس «مسئول اعمال اختیاری خودش است».
۳. رابطه علت و معلولی: «انجام کارهایی که گناه بوده است» علت است برای روی دادن این معلول: «عقوبت الهی»
۴. این آیه با آیه ﴿إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِقْمَا شَاكِرًا وَإِقْمَا كُفُورًا﴾ و آیه قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا ... ارتباط مفهومی دارد و هر سه بر اختیار انسان تأکید دارند.
۵. این آیه با مطلبی که در سال دهم در مورد «تشبیه خوردن مال یتیم به خوردن آتش» آمده است، ارتباط مفهومی دارد.

قانون‌مندی جهان، زمینه‌ساز شکوفایی اختیار

۱. اعتقاد به خداوند حکیم

شکوفایی اختیار در انسان

اعتقاد به خداوند حکیم

- اعتقاد به خداوندی حکیم که با حکمت خود جهان را خلق کرده و آن را اداره می‌کند، این اطمینان را به انسان می‌دهد که همه وقایع و رخدادهای جهان، تحت یک برنامه سامان‌دهی شده و غایتمند انجام می‌گیرد.
- اگر ما دلیل رویدادها را نمی‌دانیم، ناشی از دانش محدود و ناقص ماست.
- هر حادثه در جهان، دارای هدف معینی است و این معنای حکیمانه بودن جهان هستی است.
- بیت «فطره‌ای کز جویباری می‌رود / از پی انجام کاری می‌رود» به مفهوم زیر اشاره دارد:
 - هدف‌داری جهان: هر حادثه‌ای در جهان، دارای هدف معینی است.
 - اعتقاد به خداوند حکیم که زمینه‌ساز شکوفایی اختیار در انسان است.
- نتایج دیگر ایمان به خداوند حکیم:
 - اطمینان انسان از عدم نابودی جهان «چرا که اشتباه در کار خداوند راه ندارد و او «علیم» و «قادر» است.

متن آیه

إِنَّ اللَّهَ يُمِصُّكُ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
أَنْ تَزُولَا
وَلَئِنْ رَأَيْتَا
إِنْ أَمْسَكْتَهُمَا
مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ ...

همانا خداوند نگه می‌دارد
آسمان‌ها و زمین را
از منحرف شدن
و اگر منحرف شوند
نگه نمی‌دارد آن دو را
هیچ‌کسی بعد از او (مگر خود خداوند) ...

(فاطر / ۴۱)



متن خوانی آیه

۱. به «اعتقاد به خداوندی حکیم، که با حکمت خود جهان را خلق کرده و آن را تدبیر می‌کند.» دلالت می‌کند.
۲. به یکی از زمینه‌های شکوفایی اختیار اشاره دارد: اعتقاد به خداوندی که با «حکمت» خود، جهان را آفرید.
۳. جهان «هدفمند» است.
۴. «اطمینان انسان از عدم نابودی جهان» چرا که اشتباه در کار خداوند راه ندارد و او «علیم» و «قادر» است و تنها اوست که جهان را از زوال حفظ می‌کند.
۵. ایمان به خدای حکیم و نظام حکیمانه این نتیجه را در پی دارد: اطمینان یافتن از این که جهان دارای حافظ و نگاهبانی است.
۶. ارتباط معنایی با شعر «قطره‌ای کز جویباری می‌رود / از پی انجام کاری می‌رود»
۷. «مِنْ آخِذٍ مِّنْ بَعْدِهِ»: حفظ جهان هستی، منحصر به خداوند است و دلالت دارد بر مفهومی که در درس یک سال ۱۲ خواندیم که: «موجودات در بقا نیز نیازمند خداوند هستند.»
۸. کل آیه بر «توحید در ربوبیت» دلالت دارد.

۲. قانونمند بودن جهان

شکوفایی اختیار در انسان

اعتقاد به «قانونمند بودن جهان»

- در نتیجه اعتقاد به خداوند حکیم، انسان خداشناس می‌داند که فقط با زندگی در یک جهان قانونمند، که پشتوانه آن «علم» و «قدرت» خداست، وی امکان حرکت و فعالیت دارد، زیرا با زندگی در چنین جهانی است که او می‌تواند قوانین حاکم بر جهان هستی و خلقت را بشناسد و برای رفع نیازهای خود از آن‌ها استفاده کند و به هدف‌های خود برسد. به عبارت دیگر، او در جهانی زندگی می‌کند که قدر و قضای الهی بر آن حاکم است.
- نام دیگر، قانونمندی و نظم و سامان جهان، «قضا و قدر الهی» است.

قضا و قدر

- معنای «قدر یا قدر»: اندازه
- معنای «تقدیر»: اندازه گرفتن
- معنای «قضا»: به انجام رساندن، پایان دادن، حکم کردن و حتمیت بخشیدن
- مفهوم «قضا» و «قدر» الهی چیست؟

قدر الهی	قضای الهی
تعیین «حدود، اندازه، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی موجودات» توسط خداوند	«ایجاد شدن» موجودات جهان با حکم و فرمان و اراده الهی
نقشه جهان با همه ریزه‌کاری‌ها و قانونمندی‌هایش از آن خدا و علم خداست.	«اجرا و پیاده کردن» نقشه جهان، «اجرا و پیاده کردن» قانونمندی‌ها به اراده خداست.
در نقشه جهان نقص و اشتباهی نیست.	«در اجرا و پیاده کردن» نقشه جهان نیز نقص و اشتباهی نیست.
آب دارای «ویژگی‌هایی» است که سبب رفع تشنگی می‌شود.	«آفرینش» آب، به «قضا» اشاره دارد.
شرایط دیوار مانند کج بودن یا محکم بودن، تقدیر است.	فروریختن دیوار کج، یک قانون و قضای الهی است.
تعیین طول، عرض و ... یک موجود، تقدیر الهی است.	خلق موجودات، قضای الهی است.
اینکه ماه در کدام مدار دور زمین می‌چرخد، الکترون‌های هر عنصر چه تعدادی هستند؛ تقدیر الهی است.	آفرینش ماه و زمین و الکترون، قضای الهی است.
خداوند با «حکمت» خود، اندازه، ویژگی و نقشه پدیده‌ها را معین می‌کند.	خداوند با «اراده» خود، آن‌ها را محقق می‌سازد.

- اگر به «قضا و قدر الهی» معتقد نبودیم، نمی‌توانستیم با اطمینان خاطر کار و فعالیت انجام دهیم و از اختیار خود بهره بگیریم.
- اگر به «قضا و قدر الهی» معتقد نبودیم، هیچ نظمی را در پدیده‌ها نمی‌دیدیم و هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آمد.

اصلاح یک پندار

- معنای تقدیر این نیست که وقتی به حادثه‌ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هر نظمی را برهم می‌زند؛ درحالی که دیدیم معنای قدر و قضای الهی این است که هر چیزی مهندسی و قاعده خاص خود را دارد که این قواعد، توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است.
- بدون پذیرش قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی‌شود و هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آید.
- داستانی از امام علی (ع) و یارانش:
روزی امیرمؤمنان علی (ع) با جمعی از یاران خود در سایه دیواری نشسته بود. آن حضرت متوجه کجی و سستی دیوار شد و برای اینکه مبادا دیوار روی او و یاران خراب شود، از آنجا برخاست و زیر سایه دیواری دیگر نشست. یکی از یاران به آن حضرت گفت: «یا امیرالمؤمنین آیا از قضای الهی می‌گریزی؟» امام فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.»
- پرسش: منظور امام علی از بیان این عبارت چه بود؟ «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.»
- پاسخ: یعنی از نوعی قضا و قدر الهی، به نوع دیگری از قضا و قدر الهی پناه می‌برم.
- پرسش: افرادی که قضا و قدر الهی را با اختیار انسان ناسازگار می‌دانند، چگونه می‌اندیشند؟
- پاسخ: آن‌ها تعریف غلطی از تقدیر دارند. آن‌ها فکر می‌کنند که «تقدیر، ورای قانون‌مندی و نظم است» و فکر می‌کنند «هرگاه تقدیر بر حادثه‌ای تعلق بگیرد، هر قانونی را لغو و هر نظمی را برهم می‌زند.»



اختیار انسان، یک تقدیر الهی

- ساده‌ترین و آشکارترین تقدیرهای الهی: تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود
- تقدیر الهی شامل «همه ویژگی‌ها، کیفیت‌ها و کثیت‌ها کلیه روابط میان موجودات» نیز می‌شود.
- اختیار انسان، یکی از ویژگی‌های انسان است؛ پس اختیار انسان، یک تقدیر الهی است.
- خداوند این‌گونه تعیین کرده که انسان کارهایش را «با اختیار انجام دهد» و کسی نمی‌تواند از اختیار، که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند؛ حتی اگر فرار بکند باز هم براساس اختیار فرار نکرده است.

رابطه اختیار انسان با اراده خداوند

- پرسش:** چگونه می‌توان هم به قضا و اراده الهی معتقد بود و هم انسان را موجودی مختار دانست؟ آیا می‌توان گفت که کار انسان، هم به اراده و اختیار انسان وابسته است و هم به اراده خداوند؟
- پاسخ:** کتاب درسی، پاسخ این سؤال را چنین بیان کرده است: «در صورتی که رابطه اختیار و اراده انسان را با اراده خداوند، رابطه طولی بدانیم، به این پرسش پاسخ داده‌ایم.»
- انواع علل: ۱. علل عرضی؛ ۲. علل طولی که در جدول زیر به صورت مقایسه‌ای نمایش داده‌ایم:

علل عرضی	علل طولی
چند عامل به صورت «مجموعه» و با «همکاری» یکدیگر پدیده‌ای را به وجود می‌آورند.	یک عامل بر روی عامل دیگر، اثر می‌گذارد و آن عامل بر عامل بعدی و ... تا به معلول برسد.
چند عامل با «مشارکت» یکدیگر پدیده‌ای را به وجود می‌آورند.	کار پیدایش معلول را به «هر کدام» از عوامل می‌توان نسبت داد.
هر عامل در این نوع از علل، به صورت «مستقیم» نقش متفاوتی را ایفا می‌کند.	هر عامل رابطه‌اش با معلول به صورت «غیر مستقیم» است.
مثال: برای رویش گل مجموعه‌ای از باغبان و خاک و ... لازم است.	مثال: رابطه قلم، دستی که قلم در دست دارد و سیستم عصبی که موجب حرکت قلم و ... برای نوشتن است.
	

- در فعل اختیاری - یعنی در هر کاری که با اراده خود انجام می‌دهیم - تا زمانی که انسان به انجام فعلی اراده نکند، آن فعل انجام نمی‌پذیرد.
- وجود ما، اراده ما و عمل ما، همگی وابسته به «اراده خداوند» است: اراده انسان در طول اراده خداوند است و با آن منافات ندارد.

بررسی

- با اینکه قضای الهی و اختیار، هر دو، چه در موفقیت‌ها و چه در شکست‌های انسان نقش دارند، چرا برخی انسان‌ها می‌کوشند شکست‌های خود را به قضا و قدر الهی نسبت دهند؟
- پاسخ:** به‌طور کلی انسان‌ها تمایل دارند که شکست‌های خود را گردن خود نیندازند چرا که «عزت نفس» آدم‌های شکست خورده جریحه‌دار می‌شود و وقتی شکست‌های خود را به تقدیر مربوط می‌کنند، فشار روانی شکست را کاهش می‌دهند.

پاسخ به یک پرسش

- ممکن است برای شما این سؤال پیش آید که «اگر خدا از قبل سرنوشت و آینده مرا می‌داند، تلاش و اراده من دیگر نمی‌تواند نقشی در آینده‌ام داشته باشد و اگر تلاشی بکنم، چون شکست من در علم خداوند آمده است، تلاشم به جایی نخواهد رسید، و اگر برعکس، علم خداوند بر موفقیت‌م باشد، باز هم نیازی به تلاش ندارم.»
- علت این که ایراد فوق به وجود می‌آید این است که: پرسش‌کننده فکر می‌کند «علم بشری» با «علم الهی» یکی است در حالی که چنین نیست.
 - مقایسه علم الهی و علم بشری:

علم الهی	علم بشری
شامل: فرایند انجام حوادث + پایان و نتیجه امور مثال: خداوند نه تنها می‌داند که آینده یک دانش‌آموز چیست؛ بلکه می‌داند که دانش‌آموز تا زمان رسیدن به نتیجه چه تصمیم‌هایی خواهد گرفت.	شامل: پایان و نتیجه امور مثال: معلم، آینده یک دانش‌آموز را می‌تواند پیش‌بینی کند؛ اما نمی‌تواند بداند که دانش‌آموز تا زمان رسیدن به نتیجه چه تصمیم‌هایی خواهد گرفت.
علم الهی، براساس علم به تمام عوامل و جزئیات است.	علم بشری، براساس یک پیش‌بینی صرف درباره نتیجه است.

مشاوره

این درس از مهم‌ترین درس‌های سال ۱۲ می‌باشد و چه در امتحانات پایان ترم و چه در کنکور مورد توجه طراحان سؤال قرار می‌گیرد. در این درس رابطه اختیار و قضا و قدر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

آیات و روایات

۴/۵ نمره

۵۲۲. پس از ترجمه آیات زیر در آن تأمل کنید و توضیح دهید چگونه محتوای این آیات می‌تواند نشانی از وجود اختیار در انسان باشد؟
الف) «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا ...»
ب) «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ»
۵۲۳. پس از تکمیل ترجمه آیه شریفه، مفهوم آن را بیان کنید.

۳

۱/۵

.....	إِنَّ اللَّهَ يُمِصُّكَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.
از اینکه نابود شوند؛	آن تزلزل
و اگر بخواهند نابود شوند،	و لَئِنْ رَأَيْتَا
.....	إِنْ أَمْسَكْتَهُمَا.
.....	مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ.

۲ نمره

درستی یا نادرستی گزاره‌های زیر را مشخص کنید.

۵۲۴. کسی که اختیار را در سخن یا بحث انکار می‌کند، در عمل از آن بهره می‌برد.
۵۲۵. کسی که پیمان شکنی کند و مسئولیتش را انجام ندهد، خود را مستحق مجازات می‌داند. (احساس رضایت یا پشیمانی)
۵۲۶. مشیت خداوند و قوانین حاکم بر هستی مانع اختیار انسان است.
۵۲۷. مخلوقات جهان از آن جهت که با فرمان و حکم و اراده الهی ایجاد می‌شوند، مقدر به تقدیر الهی هستند.
۵۲۸. آبی که برای رفع تشنگی می‌نوشیم، به سبب اعتماد به قضاست.
۵۲۹. فرو ریختن دیوار کج یک قضای الهی است.
۵۳۰. یکی از تقدیرات الهی برای انسان این است که او دارای اختیار باشد.
۵۳۱. وقتی از تقدیر جهان به وسیله خداوند سخن می‌گوییم، منظورمان فقط طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود است.

۲/۷۵ نمره

جاهای خالی را با کلمات مناسب تکمیل کنید.

۵۳۲. همه موجودات، تحت خداوند قرار دارند و به اذن او عمل می‌کنند.
۵۳۳. توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن به معنای است.
۵۳۴. عهدها و پیمان‌ها بیانگر است.
۵۳۵. بدون پذیرش هیچ نظمی برقرار نمی‌شود و هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آید.
۵۳۶. کسی نمی‌تواند از اختیار که ویژگی اوست، فرار کند.
۵۳۷. خداوند این گونه کرده که انسان کارهایش را با اختیار انجام دهد.
۵۳۸. در فعل اختیاری، تا زمانی که ما کاری را نکرده‌ایم، آن کار انجام نمی‌گیرد.
۵۳۹. در علل عرضی، هر عامل نقش خاصی را بر عهده دارد که با نقش دیگری است.
۵۴۰. وجود اختیار و اراده در انسان ناشی از خداست.

۵۴۱. پاداش و مجازات بیهوده و باطل در صورتی است که قضا و قدر، باشد.

اصطلاحات زیر را تعریف کنید. ۱/۵ نمره

۵۴۲. قَدْر و قَدَر:

۵۴۳. تقدیر:

۵۴۴. قضا:

به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید. ۲/۲۵ نمره

۵۴۵. شواهد روشن بودن اختیار و بی‌نیازی از استدلال را نام ببرید.

۵۴۶. اعتقاد به خدای حکیم چه اطمینانی را به انسان می‌دهد؟

۵۴۷. مخلوقات جهان از کدام جهت مقدر به تقدیر الهی هستند؟

۵۴۸. تفاوت علم الهی با علم انسان دربارهٔ امور چگونه است؟

به پرسش‌های زیر پاسخ کامل دهید. ۵ نمره

۵۴۹. این که می‌گوئیم قدر و قضای الهی بر جهان حاکم است، به چه معناست؟

۵۵۰. در پاسخ افرادی که پنداشته‌اند قضا و قدر الهی با اختیار ناسازگار است و تصور می‌کنند تقدیر چیزی غیر از قانونمندی جهان و نظم آن است، چه باید گفت؟

۵۵۱. علل عرضی را با مثال تعریف کنید.

۵۵۲. پاسخ به این اشکال که «اگر خدا از قبل سرنوشته و آیندهٔ مرا می‌داند، تلاش و ارادهٔ من دیگر نمی‌تواند نقشی در آینده‌ام داشته باشد.» چگونه میسر است؟

موارد سمت راست را با موارد سمت چپ انطباق دهید. ۲ نمره

۵۵۳

- | | | | |
|--|-----------------------|---|-----------------------|
| ۱- این که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است | <input type="radio"/> | الف) هر عامل به‌طور مستقیم نقش خاصی را بر عهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است. | <input type="radio"/> |
| ۲- هیچ گویی سنگ را فردا بیا؟ / ورنه یایی من دهم بد را سزا؟ | <input type="radio"/> | ب) ای کاش آن کار را انجام نمی‌دادم. | <input type="radio"/> |
| ۳- قطره‌ای کز جویباری می‌رود / از پی انجام کاری می‌رود | <input type="radio"/> | پ) کشتی جهان ناخدایی دارد که به موجب علم و قدرت ناخدا، هیچ‌گاه غرق و نابود نخواهد شد. | <input type="radio"/> |
| ۴- علی که در یک ردیف قرار دارند. | <input type="radio"/> | ت) از میان چندین کار و چندین راه یکی را بر می‌گزینیم. | <input type="radio"/> |

درس ۵ آزمون ۲ سطح امتحان نهایی ۲۸ پرسش امتحانی

مشاوره با توجه به اهمیت این درس، تلاش کرده‌ایم که هیچ نکته‌ای باقی نماند. باید به تفاوت قضا و قدر توجه کنید.

آیات و روایات ۲ نمره

۵۵۴. مفهوم آیهٔ شریفهٔ «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید. (امتحان نهایی ۹۴) ۲

درستی یا نادرستی گزاره‌های زیر را مشخص کنید. ۲/۷۵ نمره

۵۵۵. مشیت خداوند، زمینه‌ساز شکوفایی اختیار و بستری برای بهره‌مندی از آن است.

۵۵۶. معنای قدر و قضای الهی این است که هر چیزی مفهوم و قاعدهٔ خاص خود را دارد.



۵۵۷. فرو ریختن دیوار کج یک قدر الهی است. ۰/۵
۵۵۸. انسانی که دو تقدیر و دو قضا را بشناسد، تصمیم می‌گیرد و دست به انتخاب مناسب‌تر می‌زند. ۰/۵
۵۵۹. در جهانی که تقدیری بر آن حاکم نباشد، اختیار و اراده نقش بیش‌تری می‌یابد. ۰/۲۵
۵۶۰. اراده انسان در طول اراده خداست. (امتحان نوایی ۹۵) ۰/۲۵
۵۶۱. علم خداوند به نتایج امور، یک پیش‌بینی صرف درباره نتیجه است. ۰/۲۵

جاهای خالی را با کلمات مناسب تکمیل کنید. ۲/۲۵ نمره

۵۶۲. خدای متعال، متناسب با قوه بشر را راهنمایی کرده و او را مختار گذاشته است.
۵۶۳. بدن انسان از چه اعضای تشکیل شده، هر عضوی کدام کار را انجام می‌دهد، همه و همه از است.
۵۶۴. در مثال نوشتن، علت‌ها در هم هستند، در یک نیستند.
۵۶۵. در فعل اختیاری، تا زمانی که ما به انجام دادن فعلی نکرده‌ایم، آن فعل انجام نمی‌گیرد.
۵۶۶. باید توجه داشت که با همین اختیار که داریم، منبای تصمیم‌گیری‌های ما و تعیین‌کننده سرنوشت ماست.
۵۶۷. علم خداوند به حوادث هم پایان و نتیجه امور و هم انجام حوادث را در بر می‌گیرد.
۵۶۸. اراده انسان از پدید می‌آید. (امتحان نوایی ۹۶)
۵۶۹. ساختار عصبی بدن برای نوشتن مقدم بر است.

به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید. ۶ نمره

۵۷۰. چگونه احساس رضایت یا پشیمانی روشن بودن اختیار را در انسان بیان می‌کند؟ ۱
۵۷۱. از موارد روشن بودن اختیار در انسان مسئولیت‌پذیری را توضیح دهید. ۱
۵۷۲. مخلوقات جهان از کدام جهت، به قضای الهی وابسته‌اند؟ ۱
۵۷۳. به چه دلیل، نه در نقشه جهان نقصی است و نه در اجرا و پیاده کردن آن؟ (امتحان نوایی ۹۳) ۱
۵۷۴. اعتقاد به خداوند حکیم، چه اطمینانی به انسان می‌دهد؟ ۱
۵۷۵. برداشت نادرست از علم الهی نسبت به آینده انسان و سایر امور ناشی از چیست؟ ۱

به پرسش‌های زیر پاسخ کامل دهید. ۵ نمره

۵۷۶. ساده‌ترین و آشکارترین مفهوم تقدیرها را با مفهوم عمیق آن مقایسه کنید. ۱
۵۷۷. علل طولی را با مثال توضیح دهید. ۱/۵
۵۷۸. آیا کسی می‌تواند از محدوده اختیار خود فرار کند؟ ۱/۵
۵۷۹. برای پاسخ به این سؤال که «آیا مشیت خداوند و قوانین حاکم بر هستی مانع اختیار انسان است، یا برعکس، زمینه‌ساز شکوفایی اختیار و بستری برای بهره‌مندی از آن است»، به چه نکاتی باید توجه داشت؟ ۱

موارد سمت راست را با موارد سمت چپ انطباق دهید. ۲ نمره

۵۸۰.

- ۱) گفت: کز چوب خدا این بنده‌اش / می‌زند بر پشت دیگر بنده‌اش الف) مسئولیت‌پذیری
- ۲) هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟ / هیچ با سنگی عتابی کس کند؟ ب) وان پشیمانی که خوردن زان بدی / ز اختیار خویش گشتی مهتدی
- ۳) رودها از خود نه طغیان می‌کنند / آن چه می‌گوییم ما آن می‌کنند پ) اختیار یک حقیقت وجدانی است.
- ۴) گر نبودی اختیار این شرم چیست؟ / این دریغ و خجلت و آزرم چیست؟ ت) ما، به دریا حکم طوفان می‌دهیم / ما به سیل و موج فرمان می‌دهیم

پرسش‌های چهار گزینه‌ای

اختیار حقیقتی وجدانی و مشهود و نشانه‌های اختیار

۵۸۱. وجدانی و مشهود بودن حقیقت اختیار به ترتیب به چه معناست؟
 ۱ در صورت انکار، در سخن عملاً آن را ثابت می‌کند. - هر انسانی آن را در خود می‌یابد.
 ۲ هر انسانی آن را در خود می‌یابد. - می‌بیند که شبانه روز در حال تصمیم‌گیری است.
 ۳ توانایی بر انجام یک کار است. - توانایی بر ترک آن کار است.
 ۴ هر انسانی آن را در خود می‌یابد. - در صورت انکار، در سخن عملاً آن را ثابت می‌کند.
۵۸۲. کدام یک از عبارات زیر در مورد مفهوم «اختیار» نادرست است؟
 ۱ اختیار حقیقتی مشهود و قابل انکار در بحث یا عمل است.
 ۲ هر کس اختیار را در خود می‌یابد، هر چند در سخن آن را انکار کند.
 ۳ اختیار حقیقتی وجدانی است و هر کس آن را در خود می‌یابد.
 ۴ اختیار با ساختار انسان سرشته شده و وجود آن انکارناپذیر است.
۵۸۳. کدام گزینه با مفهوم ابیات زیر ارتباط مفهومی ندارد؟
 «آن یکی رفت بالای درخت / می‌فشاند او میوه را دزدانه سخت
 صاحب باغ آمد و گفت ای دنی / از خدا شرم، بگو چه می‌کنی؟»
 ۱ إِنْ هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنْهَا شَاكِرًا وَإِنَّا كَفُورًا
 ۲ قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلْتَنفِسْهُ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا
 ۳ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ
 ۴ قُلْ إِنَّمَا أَعْطَكُم بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَنَّئِي وَفُرَائِي
۵۸۴. از مفهوم کدام بیت مستفاد می‌گردد که اختیار، یک حقیقت وجدانی است و هر کس آن را در خود می‌یابد؟
 ۱ چوب حق و پشت و پهلو آن او / من غلام و آلت فرمان او
 ۲ ما همه شیران ولی شیر علم / حمله‌شان از باد باشد دم به دم
 ۳ دلی کز معرفت نور و صفا دید / به هر چیزی که دید اول خدا دید
 ۴ ذات نیافتنه از هستی، بخش / چون تواند که بود هستی‌بخش
۵۸۵. یکی از شواهد و دلایل وجود اختیار در وجود انسان «تفکر و تصمیم» است. مفهوم کدام گزینه به این ویژگی اشاره دارد؟
 ۱ و آن پشیمانی که خوردی ز آن بدی / ز اختیار خویش گشتی مهتری
 ۲ هیچ‌گویی سنگ را فردا بیا / ورنیایی من دهم بد را سزا
 ۳ این که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم
 ۴ قطره‌ای کز جویباری می‌رود / از پی انجام کاری می‌رود
۵۸۶. اگر معتقد باشیم که انسان در انتخاب هدف‌ها ممکن است «دچار تردید» شود به کدام یک از شواهد اختیار در وجود انسان اعتراف کرده‌ایم؟ مفهوم کدام بیت به آن اشاره دارد؟
 ۱ مسئولیت‌پذیری - هیچ‌گویی سنگ را فردا بیا / ورنیایی من دهم بد را سزا
 ۲ مسئولیت‌پذیری - گر نبودی اختیار این شرم چیست؟ / این دریغ و خجالت و آزرم چیست؟
 ۳ تفکر و تصمیم - این که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم
 ۴ تفکر و تصمیم - و آن پشیمانی که خوردی ز آن بدی / ز اختیار خویش گشتی مهتری
۵۸۷. از لحاظ موضوعی مفهوم بیت «هیچ‌گویی سنگ را فردا بیا / ورنیایی من دهم بد را سزا» با کدام گزینه مرتبط نیست؟
 ۱ إِنْ هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنْهَا شَاكِرًا وَإِنَّا كَفُورًا
 ۲ بندگی کن تا که سلطانت کنند / تن رها کن تا همه جانت کنند
 ۳ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ
 ۴ این که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم
- (هنر ۹۵، با تغییر)
۵۸۸. اختیار در انسان چگونه امری است و کدام آیه شریفه حاکی از آن است؟
 ۱ مشهود و انکارناپذیر - اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ ...
 ۲ قضای الهی و تغییرناپذیر - اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ ...
 ۳ مشهود و انکارناپذیر - قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلْتَنفِسْهُ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا ...
 ۴ قضای الهی و تغییرناپذیر - قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلْتَنفِسْهُ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا ...
۵۸۹. اینکه گاهی دچار تردید می‌شویم که از بین چندین راه کدام یک را انتخاب کنیم، مؤید کدام یک از شواهد وجود اختیار است و کدام بیت بر این رابطه دلالت دارد؟
 ۱ احساس رضایت یا پشیمانی - گر نبودی اختیار این شرم چیست / این دریغ و خجالت و آزرم چیست
 ۲ تفکر و تصمیم - این که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم
 ۳ تفکر و تصمیم - گر نبودی اختیار این شرم چیست / این دریغ و خجالت و آزرم چیست
 ۴ احساس رضایت یا پشیمانی - این که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم

۵۹۰. پیام آیه شریفه «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا ...» وافی به کدام مقصود است و بیانگر چه هدایتی است؟
- ۱) ارسال رهنمودهای الهی از طریق انبیای الهی - هدایت تشریحی
 - ۲) ارسال رهنمودهای الهی از طریق انبیای الهی - هدایت تکوینی
 - ۳) خداوند امکانات وصول به سعادت را به وسیله پیامبران به انسان اعطاء نمود. - هدایت تکوینی
 - ۴) هدایت انسان در پرتو اختیار وی نسبت به انتخاب راه درست یا نادرست تحقق می‌یابد - هدایت تشریحی
۵۹۱. احساس رضایت از کار دلیلی بر اثبات و احساس ندامت نشانگر آن است که
- ۱) قدرت تصمیم‌گیری - این اشتباه به اراده و اختیار ما بوده است.
 - ۲) اختیار و اراده خود - موجودی که مختار نیست، نمی‌تواند مسئولیت‌پذیر باشد.
 - ۳) مسئولیت‌پذیری - هر کدام از ما مسئول کارهایی هستیم که انجام می‌دهیم.
 - ۴) اراده خود - من توان ترک آن کار را داشته‌ام.
۵۹۲. کدام یک از آیات زیر به ترتیب بر مسئولیت‌پذیری و احساس رضایت و پشیمانی از شواهد وجود اختیار دلالت دارد؟
- ۱) این که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم - گر نبودی اختیار این شرم چیست / این دریغ و خجالت و آزرم چیست؟
 - ۲) هیچ گویی سنگ را فردا بیا / ورنیایی من دهم بد را سزا؟ - هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟ / هیچ با سنگی عتابی کس کند؟
 - ۳) هیچ گویی سنگ را فردا بیا / ورنیایی من دهم بد را سزا؟ - گر نبودی اختیار این شرم چیست / این دریغ و خجالت و آزرم چیست؟
 - ۴) گر نبودی اختیار این شرم چیست / این دریغ و خجالت و آزرم چیست؟ - این که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم
۵۹۳. بیت «هیچ عاقل مر کلوخی را زند / هیچ با سنگی عتابی کس کند» استدلالی بر کدام یک از شواهد وجود اختیار است و تردید در امور بر چه موضوعاتی دلالت دارد؟
- ۱) مسئولیت‌پذیری - تفکر و تصمیم
 - ۲) تفکر و تصمیم - مسئولیت‌پذیری
 - ۳) مسئولیت‌پذیری - احساس رضایت یا ندامت
 - ۴) احساس رضایت یا پشیمانی - مسئولیت‌پذیری
۵۹۴. مفهوم به کار رفته در کدام گزینه، به «مسئولیت‌پذیری» به‌عنوان یکی از شواهد اثبات وجود اختیار در انسان اشاره دارد و با کدام بیت هم‌مفهوم است؟
- ۱) عهدها و پیمان‌ها بر همین اساس استوارند - هیچ با سنگی عتابی کس کند؟
 - ۲) احساس ندامت نشانگر آن است که توان ترک آن کار را داشته‌ام - گر نبودی اختیار آن شرم چیست؟
 - ۳) گاهی دچار تردید می‌شویم و پس از بررسی راه‌ها یکی را برمی‌گزینیم - این که فردا این کنم یا آن کنم
 - ۴) هر کدام از ما آثار و عواقب عمل خود را می‌پذیریم - این که فردا این کنم یا آن کنم
۵۹۵. «خود را مستحق مجازات دانستن - شادمانی پس از موفقیت - اندیشه قبل از عمل» به ترتیب بر کدام یک از شواهد بدهی بودن اختیار دلالت دارد؟
- ۱) تفکر و تصمیم - مسئولیت‌پذیری - احساس رضایت یا پشیمانی
 - ۲) مسئولیت‌پذیری - تفکر و تصمیم - احساس رضایت یا پشیمانی
 - ۳) احساس رضایت یا پشیمانی - تفکر و تصمیم - مسئولیت‌پذیری
 - ۴) احساس رضایت یا پشیمانی - تفکر و تصمیم
۵۹۶. کدام یک از آیات زیر تداعی‌گر مفهوم «مسئولیت‌پذیری» به‌عنوان یکی از شواهد وجود اختیار در انسان است؟ و رابطه اختیار و اراده انسان و اراده خداوند به صورت است.
- ۱) این که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم - طولی
 - ۲) گر نبودی اختیار این شرم چیست / این دریغ و خجالت و آزرم چیست؟ - عرضی
 - ۳) هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟ / هیچ با سنگی عتابی کس کند؟ - طولی
 - ۴) و آن پشیمانی که خوردی زان بدی / ز اختیار خویش گشتی مهتدی - عرضی
۵۹۷. راهنمایی بشر از سوی خداوند متعال مرون چیست و از آیه شریفه «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِنَّمَا كَفُورًا» کدام مفهوم استنباط می‌شود؟
- ۱) فطرت - هدایت تشریحی از طریق ارسال پیامبران الهی، دین و کتاب آسمانی است.
 - ۲) اختیار - هدایت تشریحی از طریق ارسال پیامبران الهی، دین و کتاب آسمانی است.
 - ۳) اختیار - انسان به‌طور تکوینی در مسیر هدایت قرار دارد و هر وقت به گمراهی رسید خدا او را هدایت می‌کند.
 - ۴) فطرت - انسان به‌طور تکوینی در مسیر هدایت قرار دارد و هر وقت به گمراهی رسید خدا او را هدایت می‌کند.
۵۹۸. از دقت در پیام آیه شریفه: «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِنَّمَا كَفُورًا» مفهوم می‌گردد که
- ۱) انسان، در چارچوب قوانین حاکم بر هستی، حق انتخاب دارد.
 - ۲) هدایت به راه کمال، خواه ناخواه توأم با فراز و نشیب‌ها است.
 - ۳) قانون لطف، ایجاب می‌کند هدایت انسان را که هرگز در آن تخلفی نخواهد بود.
 - ۴) خدای متعال، با ارسال رسولان و انزال کتب آسمانی، راه را به انسان نشان داد.
۵۹۹. باتوجه به این که رهنمودهای روشن الهی برای هدایت انسان به دست ما رسیده، ثمره اطاعت و زیان نافرمانی کدام است؟ (زمان: ۹۵، با تغییر)
- ۱) فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا
 - ۲) اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِيَجْرِيَ
 - ۳) إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِنَّمَا كَفُورًا
 - ۴) وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّن بَعْدِهِ
۶۰۰. آیه شریفه «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِنَّمَا كَفُورًا» به کدام مفهوم اشاره دارد و این مفهوم در کدام آیه شریفه به کار برده شده است؟
- ۱) توانایی اختیار معلول قدرت انتخاب و گزینش است. - قد جاءكم بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا ...
 - ۲) توانایی اختیار معلول قدرت انتخاب و گزینش است. - اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِيَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ ...
 - ۳) توانایی انتخاب و گزینش معلول اختیار است. - قد جاءكم بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا ...
 - ۴) توانایی انتخاب و گزینش معلول اختیار است. - اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِيَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ ...

(تهری ۸۶، با تغییر)

- ۲) قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا ...
۴) إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِقْمَا شَاكِرًا وَإِقْمَا كُفُورًا

(ریاضی ۹۷، با تغییر)

۶۰۱. پیام کدام آیه با دیگر آیات، متفاوت است؟
۱) إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ
۳) يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ
۶۰۲. کدام آیه شریفه عقیده «جبر گرایی» را نفی می‌کند و با کدام آیه ارتباط مفهومی دارد؟
۱) قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا ... - إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِقْمَا شَاكِرًا وَإِقْمَا كُفُورًا
۲) قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا ... - اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لَتَجْرِي فِيهِ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ ...
۳) ذَلِكَ يَمَا قَدَّمْتُمُ أَيْدِيكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ - إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِقْمَا شَاكِرًا وَإِقْمَا كُفُورًا
۴) إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِقْمَا شَاكِرًا وَإِقْمَا كُفُورًا - اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لَتَجْرِي فِيهِ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ ...

(ریاضی ۹۴)

۶۰۳. از آیه شریفه «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِقْمَا شَاكِرًا وَإِقْمَا كُفُورًا» کدام مفهوم دریافت می‌شود؟
۱) فلسفه نبوت نشان دادن راه به انسان است و شکر گزاری یا کفران به وسیله قدرت اختیار انسان صورت می‌گیرد.
۲) هدایت انسان‌ها به وسیله خداوند و از طریق پیامبران صورت می‌گیرد و نداشتن اختیار برای انسان امری عادی است.
۳) فلسفه نبوت، نشان دادن راه به انسان است و خداوند به وسیله پیامبران راه شکر گزاری را به انسان نشان می‌دهد.
۴) هدایت انسان‌ها به وسیله پیامبران صورت می‌گیرد و آن‌ها شکر گزاری و کفران را به انسان نشان می‌دهند.

قانون‌مندی جهان، زمینه‌ساز شکوفایی اختیار

۶۰۴. ثمره اطاعت یا نافرمانی از رهنمودهای الهی از مفاد کدام عبارت قرآنی به دست می‌آید؟

- ۱) فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا
۲) وَ كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ
۳) ذَلِكَ يَمَا قَدَّمْتُمُ أَيْدِيكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ
۴) إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِقْمَا شَاكِرًا وَإِقْمَا كُفُورًا

قضا و قدر الهی - اصلاح يك پندار

(تهری ۹۴)

۶۰۵. کدام عبارت بیانگر فواید و ثمرات زندگی در یک جهان قانونمند است؟

- ۱) برطرف نمودن نیازها - پیمودن پله‌های کمال - به فعلیت رساندن استعدادها
۲) گریختن از قضای الهی - حرکت بر مبنای قدر الهی - بی‌فایده بودن تصمیم‌گیری
۳) اعتقاد به چیزی و رای نظم - زمینه‌سازی برای اختیار - انجام امور به دست خدا
۴) اعتقاد به قضا و قدر - اعتماد به نفس - مقابله با پندارهای ویرانگر

(ریاضی ۹۳)

۶۰۶. اگر از ما بپرسند: «صحنه بروز و ظهور اختیار انسان، کجا است؟» می‌گوییم: آن جا است که

- ۱) باطل با تمام آلودگی‌های فطرت آزارش خودنمایی کند.
۲) قضا و قدرهای متفاوت، او را احاطه کرده باشند.
۳) جایگاه خود را در نظام قانونمند آفرینش، درک کرده باشد.
۴) حق با همه زیبایی‌های فطرت‌پسندش به او عرضه شود.

۶۰۷. بهره‌مندی از قدرت اختیار و تلاش برای ساختن جامعه، مرهون اعتقاد به است و در نتیجه این اعتقاد می‌داند که در جهانی زندگی

می‌کند که قرآن حاکم است.

- ۱) خدای حکیم - انسان خداشناس - قدر و قضای الهی
۲) خودباوری و احساس هویت - انسان خداشناس - اختیار مطلق
۳) قانونمندی و نظم جهان - هر مخلوقی - اراده و مشیت الهی
۴) خدای حکیم - هر مخلوقی - علم و قدرت خداوند

۶۰۸. زندگی در جهانی که قدر و قضای الهی در آن حاکم است، مولود اعتقاد داشتن به است و پشتوانه زندگی در چنین جهانی و

الهی است.

- ۱) نظام قانونمند جهان - حکمت - اراده الهی
۲) خدای حکیم - علم - قدرت
۳) نظام قدر و قضای الهی - علم - اراده الهی
۴) خدای حکیم و حکیمانه بودن جهان خلقت - علم - اراده الهی

(تهری ۹۰)

۶۰۹. توسعه فعالیت‌های اختیاری انسان معرفت به الهی است که برخاسته از است.

- ۱) متبوع - تقدیر - علم
۲) متبوع - قضا - اراده
۳) تابع - تقدیر - علم
۴) تابع - قضا - اراده

۶۱۰. یکی از معانی قضا است و مخلوقات جهان از آن جهت به قضای الهی وابسته‌اند که

- ۱) اندازه گرفتن - خداوند متعال ویژگی موقعیت مکانی و زمانی آن را تعیین می‌کند.
۲) اندازه گرفتن - حوادث جهان از جمله کارهای انسان با اراده خداوند تحقق می‌یابد.
۳) حکم کردن - با فرمان و حکم و اراده الهی ایجاد می‌شوند.
۴) حتمیت یافتن - خداوند با حکمت خود اندازه ویژگی و نقشه پدیده‌ها را معین می‌کند.

۶۱۱. دلیل وابستگی مخلوقات جهان به قضای الهی چیست؟

- ۱) نقشه جهان با همه موجودات و ریزه کاری‌هایش از آن خداست.
۲) از آن جهت که با فرمان و حکم و اراده الهی ایجاد می‌شود.
۳) از آن جهت که با علم خود اندازه و حدود و ویژگی را تعیین می‌کند.
۴) اجرا و پیاده کردن نقشه جهان با همه ریزه کاری‌هایش از آن خدا و علم خداوند است.

۶۱۲. این که گفته می‌شود قدر و قضای الهی بر جهان حاکم است به این معناست که
 ۱) برنامه‌ریزی برای رسیدن به قله‌های کمال براساس نظام قدر و قضا صورت می‌گیرد.
 ۲) نقشه جهان با همه موجودات و ریزه‌کاری‌ها از آن خدا و علم خداست.
 ۳) اجرا و پیاده‌کردن نقشه جهان به اراده خداست.
 ۴) طرح‌ریزی نقشه و اجرای آن از آن خدا و علم خداست.
۶۱۳. از اینکه مخلوقات جهان مقدر به تقدیر الهی هستند، چه مفهومی استنباط می‌شود؟
 ۱) خداوند با علم خود اندازه، ویژگی و حدود مخلوقات را تعیین می‌کند. ۲) نقشه جهان با همه موجودات و ویژگی‌هایش از آن خداست.
 ۳) فرمان و حکم الهی مخلوقات را ایجاد می‌کند. ۴) خداوند با حکمت و اراده خود اندازه، ویژگی و حدود مخلوقات را تعیین می‌کند.
۶۱۴. از دقت در عبارت «قدر و قضای الهی بر جهان حاکم است»، کدام مفهوم استنباط می‌شود؟
 ۱) نقشه جهان با همه ریزه‌کاری‌هایش از آن خدا و از علم خداست. ۲) اجرا و پیاده‌کردن نقشه جهان به اراده خداست.
 ۳) قضای الهی مؤخر از تقدیر است و متناسب با آن. ۴) طراحی، برنامه‌ریزی و اجرای نقشه جهان از آن خداست.
۶۱۵. نبود نقص در نقشه و همچنین پیاده‌کردن آن به ترتیب معلول کدام صفات باری تعالی است؟
 ۱) علم - اراده ۲) علم - قدرت ۳) اراده - قدرت ۴) اراده - قدرت
۶۱۶. تعیین اندازه، ویژگی‌ها و نقشه پدیده‌ها چه نام دارد و برخاسته از چیست؟
 ۱) تقدیر - علم الهی ۲) قضا - علم الهی ۳) تقدیر - قدرت الهی ۴) قضا - قدرت الهی
۶۱۷. آبی که می‌نوشیم به سبب اعتماد به است یعنی می‌دانیم که
 ۱) حکیمانه بودن نظام خلقت - قدر و قضای الهی بر جهان حاکم است.
 ۲) علم و قدرت خداوند - در نقشه جهان نقصی وجود ندارد.
 ۳) تقدیر و قضا - خداوند آب را با این ویژگی آفریده تا سبب تشنگی شود.
 ۴) اراده و قضای الهی - در اجرا و پیاده‌کردن نقشه جهان نقصی وجود ندارد.
۶۱۸. کدام یک از عبارات زیر نادرست است؟
 ۱) تقدیر چیزی ورای قانونمندی جهان و نظم در آن است.
 ۲) بدون پذیرش قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی‌شود.
 ۳) علم و قدرت خداوند - در نقشه جهان نقصی وجود ندارد.
 ۴) اراده و قضای الهی - در اجرا و پیاده‌کردن نقشه جهان نقصی وجود ندارد.
۶۱۹. حضرت علی (ع) با بیان جمله «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم» چه مطلبی را به یاران‌شان آموزش دادند؟
 ۱) نشستن در سایه دیوار مستحکم و پایدار از تقدیر الهی نشأت گرفته است.
 ۲) تمام حرکات حضرت و تصمیم‌گیری‌های او براساس دستور عقل تحقق می‌یابد.
 ۳) نگرش صحیح به قوانین زندگی انسان، عامل و زمینه‌ساز تحرک و عمل انسان است.
 ۴) فروریختن دیوار کج، یک قانون و تقدیر الهی است که با شرایط خاص تغییر می‌کند.
۶۲۰. پندار نادرست در مورد قضا و قدر الهی کدام مورد است و حضرت علی (ع) در پاسخ به یکی از یاران خود که گفت از قضای الهی می‌گریزی چه فرمود؟
 ۱) تقدیر چیزی ورای قانونمندی جهان و نظم در آن است. - از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.
 ۲) تقدیر چیزی ورای قانونمندی جهان و نظم در آن است. - از قدر الهی به قضای الهی پناه می‌برم.
 ۳) اعتقاد به قضا و قدر نه تنها مانع تحرک انسان نیست؛ بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است. - از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.
 ۴) اعتقاد به قضا و قدر نه تنها مانع تحرک انسان نیست؛ بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است. - از قدر الهی به قضای الهی پناه می‌برم.
۶۲۱. شخصی که زیر دیوار کج نشسته بود، چه برداشت نابجایی از مفهوم قضا و قدر داشت و حضرت علی (ع) چگونه نگرشی صحیح از قضا و قدر را نشان داد؟
 ۱) اگر قضای الهی به مرگ انسان تعلق گرفته باشد نباید از مرگ گریخت. - بیان اعتقادات و افکار خود
 ۲) اگر قضای الهی به مرگ انسان تعلق گرفته باشد نباید از مرگ گریخت. - رفتار و گفتار خود
 ۳) تصمیم‌گیری براساس عقل بی‌فایده است. - رفتار و گفتار خود
 ۴) تصمیم‌گیری براساس عقل بی‌فایده است. - بیان اعتقادات و افکار خود
۶۲۲. فروریختن دیوار کج، یک الهی است. این متناسب با آن دیوار، یعنی کجی آن است، و حضرت علی (ع) در پاسخ آن فرمودند: از الهی به الهی پناه می‌برم.
 ۱) تقدیر - تقدیر - قضای - قضای - قدر
 ۲) قانون و قضای - قضا - تقدیر - خاص - تقدیر - قضای
 ۳) قانون و قضای - قضا - تقدیر - خاص - تقدیر - قضای
 ۴) تقدیر - تقدیر - قضا - قضا - تقدیر - قضا
۶۲۳. تعیین اندازه، ویژگی‌ها و کلیه روابط پدیده‌ها چه نام دارد و برخوردار از اختیار به کدام موضوع اشاره دارد؟
 ۱) قضا - تقدیر ۲) تقدیر - تقدیر ۳) قضا - قضا ۴) تقدیر - تقدیر
۶۲۴. با توجه به توحید و مراتب آن، در فهم قضا و قدر الهی که قضا برخاسته از و قدر برخاسته از است، تکیه‌گاه می‌باشد. (فارغ از کشور ۸۹)
 ۱) علم و حکمت - اراده - قضا - تقدیر
 ۲) علم و حکمت - اراده - قدرت - تقدیر
 ۳) اراده - علم و حکمت - قضا - تقدیر
 ۴) اراده - علم و حکمت - قدرت - تقدیر
۶۲۵. اعطای ویژگی مختار بودن به انسان، مایع بودن آب و فرو ریختن دیوار کج به ترتیب بر چه مفاهیمی دلالت دارد؟
 ۱) قدر - قضا - قدر ۲) قدر - قدر - قضا ۳) قضا - قضا - قدر ۴) قدر - قضا - قضا

۶۲۶. «جوشش آب در درجهٔ مشخص» و «بر خورداری انسان از اختیار» به ترتیب از مصادیق و الهی است که امر دوم برخاسته از علل است. (تبری ۹۳)
- ۱) تقدیر - طولی ۲) تقدیر - قضا - طولی ۳) قضا - تقدیر - عرضی ۴) قضا - قضا - عرضی
۶۲۷. کدام کلمات به ترتیب برای تکمیل عبارت زیر مناسب‌تر است؟ (انسانی ۷۷)
- «از آیات و روایات چنین برمی‌آید که هر موجودی هم از جهت پیدایش و هم از جهت ویژگی‌های خود تحت تدبیر و ارادهٔ خداوندی است.»
- ۱) اراده - اختیار ۲) علت - معلول ۳) قدر - قضا ۴) قضا - قدر
۶۲۸. اعطای ویژگی «مختار بودن» به انسان و «مایع بودن» به آب بیانگر خداوند است و خروج هر یک از این دایره به ترتیب و است. (تبری ۹۲)
- ۱) قضای - ممکن - ممکن ۲) تقدیر - ممکن - ناممکن ۳) تقدیر - ناممکن - ناممکن ۴) قضای - ناممکن - ناممکن
۶۲۹. تعیین مسیر حرکت خورشید و جایگاه‌های ماه که بتوانیم ساعات، روزها، ماه‌ها و فصل‌ها را تنظیم نموده و با اعتماد و اطمینان از دقت و نظم آن، برنامه‌ریزی و عمل کنیم برخاسته از الهی و حاکی از خداوند است. (ریاضی ۸۹)
- ۱) تقدیر - اراده و خواست ۲) قضای - علم و حکمت ۳) تقدیر - علم و حکمت ۴) قضای - اراده و خواست
۶۳۰. تعیین نقشهٔ پدیده‌ها با خداوند و تحقق آن با او است که به ترتیب، و رقم می‌خورد. (هنر ۸۹)
- ۱) علم - اراده - قضا - تقدیر ۲) اراده - علم - قضا - تقدیر ۳) علم - اراده - تقدیر - قضا ۴) اراده - علم - تقدیر - قضا

علل عرضی و علل طولی

۶۳۱. تحقق علل معلول همکاری چند عامل به صورت مشارکتی است و هر عامل به طور نقش متفاوتی با دیگری دارد. (۴) طولی - مستقیم
- ۱) عرضی - مستقیم ۲) طولی - غیرمستقیم ۳) عرضی - غیرمستقیم ۴) طولی - مستقیم
۶۳۲. اثرگذاری یک عامل در عامل دوم منجر به پیدایش پدیده‌ای می‌شود که در این صورت علل تحقق می‌یابد و در پرورش گل علت‌ها در یکدیگر قرار دارند.
- ۱) طولی - عرضی ۲) عرضی - طولی ۳) طولی - طولی ۴) عرضی - عرضی
۶۳۳. آن‌جا که عوامل پدیدآورندهٔ یک پدیده، در مراتبی از شدت و ضعف قرار می‌گیرند، این حالت تأثیر و تأثر، اصطلاحاً چه نام دارد؟ (ریاضی ۸۳)
- ۱) موجه ۲) عرضی ۳) طولی ۴) جانشینی
۶۳۴. هر گاه پیدایش چیزی با تأثیرگذاری عوامل مقدم در عوامل مؤخر و با وساطت باشد، علل شکل می‌گیرد و ارادهٔ انسان در بروز افعال اختیاری، نمونه‌ای از علل است. (زبان ۸۵)
- ۱) طولی - طولی ۲) عرضی - عرضی ۳) طولی - عرضی ۴) عرضی - طولی
۶۳۵. عبارت «در پیدایش یک پدیده ممکن است عوامل چندی دخالت داشته باشند و هر یک از آن‌ها نقش خاصی را ایفا کنند.» مربوط به کدام نوع علل است؟ (ریاضی ۷۹)
- ۱) ناقه ۲) جانشینی ۳) طولی ۴) عرضی
۶۳۶. تصور استقلال در فاعلیت مخلوقات، منجر به شرک می‌شود و فهم درست ارتباط طولی در پدیده‌ها عین توحید است. (هنر ۸۷)
- ۱) ربوبیت - خالقیت ۲) خالقیت - ربوبیت ۳) ربوبیت - ربوبیت ۴) خالقیت - خالقیت
۶۳۷. در رابطهٔ ارادهٔ انسان با ارادهٔ خداوند کدام مطلب صحیح نیست؟ (زبان ۸۹)
- ۱) وجود اختیار و اراده در انسان به علت ارادهٔ الهی و خواست خداوند است.
- ۲) حوادث جهان و از جمله کارهای انسان تحت تدبیر و ارادهٔ خداوند و مظهری از قضا و قدر الهی است.
- ۳) هر کاری که از روی ویژگی اختیار از انسان سرزند داخل در تقدیر الهی است.
- ۴) ارادهٔ ما و عملی که از ما سر می‌زند همگی وابسته و در عرض ارادهٔ خداوند است.
۶۳۸. آن‌جا که یک عامل در عامل دیگر اثر می‌گذارد تا اثرش را به معلولی منتقل کند و آن‌جا که عوامل گوناگون به صورت یک مجموعه، همکاری دارند تا یک معلول، محقق شود، به ترتیب، علل و علل محقق شده و مثال موافق با آن و می‌باشد. (سراسری ریاضی - ۸۶ با تغییر)
- ۱) عرضی - طولی - رویش گل - نگارش ۲) عرضی - طولی - نگارش - رویش گل
- ۳) طولی - عرضی - رویش گل - نگارش ۴) طولی - عرضی - نگارش - رویش گل
۶۳۹. بین نظام مقدر جهان و اراده و اختیار انسان رابطهٔ حاکم است به این معنی که می‌باشد. (سراسری ریاضی - ۸۷)
- ۱) طولی - ارادهٔ انسان مؤخر از ارادهٔ خداوند ۲) عرضی - ارادهٔ انسان مؤخر از ارادهٔ خداوند
- ۳) طولی - انسان همان را اراده می‌کند که مقدر او ۴) عرضی - انسان همان را اراده می‌کند که مقدر او

در آیه نخست بینا یا کوردل بودن، کنایه از هدایت و ضلالت است که به دست و اراده خود انسان رقم می خورد.

در آیه دوم، عقوبتی که ناشی از کردار گذشته می باشد، نشان از اختیار انسان دارد.

۵۲۳. ترجمه: «همانا خداوند ننگه می دارد آسمانها و زمین را از این که نابود شوند، و اگر بخوانند نابود شوند، کسی نمی تواند آنها را حفظ کند مگر خود خداوند.»

مفهوم: اعتقاد به خدای حکیم، این اطمینان را به آدمی می دهد که جهان خلقت حافظ و نگهبانی دارد که در کار او اشتباه نیست.

۵۲۴. درست

۵۲۵. نادرست (بیمانشکنی و عدم اجرای مسئولیت، مربوط به مسئولیت پذیری است.)

۵۲۶. نادرست (مشیت خداوند و قوانین حاکم بر هستی، زمینه ساز شکوفایی اختیار است.)

۵۲۷. نادرست (مخلوقات جهان از آن جهت که با فرمان و اراده الهی ایجاد می شوند، به قضای الهی وابسته هستند.)

۵۲۸. نادرست (آبی که برای رفع تشنگی می نوشیم، به سبب اعتماد به همین تقدیر و قضاست، نه تنها قضا.)

۵۲۹. درست **۵۳۰.** درست

۵۳۱. نادرست (زیرا تقدیر الهی شامل همه ویژگی ها و کلیه روابط میان موجودات می شود.)

۵۳۲. اراده و تدبیر **۵۳۳.** اراده

۵۳۴. اختیار **۵۳۵.** به طور مستقیم - متفاوت

۵۳۶. مسئولیت پذیری و اختیار **۵۳۷.** اراده الهی و خواست

۵۳۸. قدر و قضای الهی **۵۳۹.** جبری و حتمی

۵۴۰. ذاتی **۵۴۱.** اندازه

۵۴۲. تقدیر **۵۴۳.** اندازه گرفتن

۵۴۴. انجام رساندن - پایان دادن - کم کردن - حتمیت بخشیدن

۵۴۵. ۱- تفکر و تصمیم ۲- احساس رضایت یا پشیمانی ۳- مسئولیت پذیری

۵۴۶. این اطمینان را به آدمی می دهد که جهان خلقت حافظ و نگهبانی دارد که در کار او اشتباه نیست.

۵۴۷. از آن جهت که خدای متعال با علم خود، اندازه، حدود، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آنها را تعیین می کند.

۵۴۸. علم خداوند منحصر به نتیجه پایانی فرایند نیست؛ بلکه به سلسله تصمیمها و عوامل دیگر مؤثر در آن فرایند نیز متصل است. در حقیقت، علم خداوند، بر اساس علم به تمام عوامل و جزئیات است، نه یک پیش بینی صرف درباره نتیجه؛ برخلاف علم انسان.

۵۴۹. به این معناست که نقشه جهان با همه موجودات، ریزه کاریها، ویژگیها و قانونهایش از آن خدا و از علم خداست. اجرا و پیاده کردن آن نیز به اراده خداست. به همین دلیل، نه در نقشه جهان نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن.

۵۵۰. معنای قضا و قدر الهی این است که هر چیزی مهندسی و قاعده خاص خود را دارد. این قواعد، توسط انسان قابل یافتن و بهره گیری است. بدون پذیرش قدر و قضای الهی، هیچ نظمی برقرار نمی شود و هیچ زمینه ای برای کار اختیار پدید نمی آید.

۵۵۱. در پیدایش هر پدیده ممکن است چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر مشارکت کند. مثلاً برای رویش یک گل، مجموعه ای از باغبان، خاک، آب، نور و حرارت دست به دست هم می دهند و با مشارکت یکدیگر گل را پدید می آورند. این گونه علل را علل عرضی می گویند. در علل عرضی، هر عامل به طور مستقیم نقش خاصی را بر عهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است.

۵۱۱. گزینه ۳ یکی از میوه های درخت اخلاص، دریافت پادشاهی و صف ناپذیر است. بندگی خالصانه خداوند ثمراتی دارد که چه بسا در ذهن ما ننگند و از تصور ما فراتر رود. از جمله این پادشاهی های وصف ناشدنی، دیدار محبوب حقیقی و تقرب به پیشگاه کسی است که بنا به تعبیر امیرمؤمنان، «نهایت آرزوی عارفان، دوست دل های صادقان، ولی مؤمنان و معبود عالمیان است.» (صفحه ۴۸)

۵۱۲. گزینه ۲ طبق آیه: «بگو همانا نماز و عبادت هایم و زندگی و مرگ فقط برای خداست که پروردگار بودن خداوند است. آیه ﴿... فَاسْتَعِظْ﴾ به دوری حضرت یوسف (ع) از گناه و عصمت ایشان اشاره دارد زیرا ایشان به مقام ﴿مُخْلِصِينَ﴾ رسیده بود و اگر انسان در اخلاص پیش رود، به مرحله ای می رسد که دیگر فریب وسوسه های شیطان را نمی خورد و گرفتار دام های شیطان نمی شود. (صفحه ۴۸-۴۷)

۵۱۳. گزینه ۱ مقاومت در برابر دام های شیطان نیازمند روی آوردن به پیشگاه خداوند و پذیرش خالصانه فرمان های اوست. شیطان خود اقرار کرده است که توانایی فریب دادن مؤمنان با اخلاص را ندارد. (صفحه ۴۸-۴۷)

۵۱۴. گزینه ۳ از جمله ثمرات اخلاص در بندگی، پادشاهی های وصف ناشدنی آن است، مانند دیدار محبوب حقیقی و تقرب به پیشگاه کسی که به تعبیر امیرمؤمنان: «نهایت آرزوی عارفان، دوست دل های صادقان، ولی مومنان و معبود عالمیان است.» (صفحه ۴۸)

۵۱۵. گزینه ۳ عبارت قرآنی «عَبُدُونِي» مرا بپرستید» به اخلاص در بندگی و عبودیت خالصانه و مراعات نمودن توحید عملی اشاره دارد و اولین ثمره آن دستیابی به درجاتی از حکمت است. (صفحه ۴۷)

۵۱۶. گزینه ۴ اولین ثمره نام برده شده از اخلاص که به تعبیر رسول خدا (ص) با چهل روز انجام کارهای خالصانه برای خدا به دست می آید، دستیابی به درجاتی از حکمت است. (صفحه ۴۷)

۵۱۷. گزینه ۳ بیت «بندگی کن تا که سلطانت کنند...» با اشاره به ثمرات وصف ناپذیر بندگی خالصانه با بیت «بر آستان جانان گر سر توان نهاندن / گلبنانگ سربلندی بر آسمان توان زد» مرتبط است که بیانگر سربلندی ناشی از بندگی خداست. (مفهومی - صفحه ۴۸)

۵۱۸. گزینه ۱ عبارت «قَالَتْ قَدْ لَبَّيْتُكَ الْوَالِدِي لَمُنْتَنِي فِيهِ» سخن همسر عزیز مصر زلیخا می باشد و در راستای اعترافش زلیخا گفت: «آری من او را به کام گرفتن از خویش دعوت کردم ولی او خویش ندادی کرد.» (صفحه ۴۸)

۵۱۹. گزینه ۱ براساس معنی صریح قرآن حضرت یوسف (ع) در برابر تهدید زلیخا که گفت: «وَلَيْتَن لَمْ يَفْعَلْ مَا أَمَرُهُ لَيْسَجَنَّ وَوَلَيْكُونَا مِنَ الصَّاغِرِينَ» به نیایش پرداخت و گفت: پروردگارا زندان از نظر من محبوب تر است از آنچه این زنان مرا به سوی آن می خوانند. (صفحه ۴۸)

۵۲۰. گزینه ۳ مفاد آیات ۳۲ و ۳۳ سوره یوسف به نفوذناپذیری در برابر وسوسه های شیطان که نتیجه اخلاص در عمل است؛ اشاره دارد و با بیت «برو این دام بر مرغی دگر نه که عقرا بلند است آشیانه» ارتباط مفهومی دارد. (صفحه ۴۷-۴۸)

۵۲۱. گزینه ۲ طبق آیه (۳۲ و ۳۳) سوره یوسف، حضرت یوسف (ع) به خداوند بیان می کند که اگر مکر زنان را از من منصرف نگردانی، از جاهلان می گردم. صافغری به معنای خوارشدگان است. بیت مورد اشاره در گزینه های ۲ و ۱ در مورد مفهوم اخلاص برای خدا و ثمرات آن است که سیره اولیای دین است. (صفحه ۴۸)

درس پنجم

۵۲۲. الف) ترجمه: «به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان به سوی شما آمده، پس هر کس که بینا گشت، به سود خود او و هر کس کور دل گردد، به زیان خود اوست ...»

ب) ترجمه آیه: «این (عقوبت)، به خاطر کردار پیشین شماست، (و نیز به خاطر آن است که) خداوند هر گز به بندگان ستم نمی کند.»

۵۵۲. علم خداوند پایان، نتیجه امور و فرآیند انجام حوادث را در بر می‌گیرد. در حالی که علم انسان‌ها چنین نیست. مثلاً یک کارشناس فوتبال که نتیجه یک مسابقه را پیش‌بینی می‌کند، یا معلمی که آینده یک دانش‌آموز را حدس می‌زند، هر یک بر اساس اطلاعات محدودی که دارند، دست به این کار می‌زنند، اما آن معلم علم ندارد که این دانش‌آموز از لحظه بعد تا روز امتحان چه تصمیم‌هایی خواهد گرفت. آیا متحول خواهد شد یا به راه گذشته ادامه خواهد داد. در حالی که علم خداوند این‌گونه نیست، او همان‌طور که پایان فرآیند را می‌بیند، بر تمام اتفاقات و تصمیم‌گیری‌های طول فرآیند هم شاهد و آگاه است.

۵۵۳.

گزینه «۱» با مورد «ت» منطبق است.

گزینه «۲» با مورد «ب» منطبق است.

گزینه «۳» با مورد «پ» منطبق است.

گزینه «۴» با مورد «الف» منطبق است.

۵۵۴. ترجمه: «ما را به او نشان دادیم، می‌خواهد سپاس‌گذار باشد یا ناسپاس» خداوند متناسب با قوه اختیار، بشر را راهنمایی کرده و او را مختار گذاشته است که سپاسگزار باشد یا ناسپاسی کند و از هدایت و لطف الهی بهره نبرد و مسیر شقاوت را بییماید.

۵۵۵. درست

۵۵۶. درست

۵۵۷. نادرست (فرو ریختن دیوار کج، یک قضای الهی است.)

۵۵۸. درست

۵۵۹. نادرست (جهانی که هیچ‌گونه تقدیر و اندازه‌ای بر پدیده‌های آن حاکم نباشد، جایی برای اراده و اختیار انسان وجود ندارد.)

۵۶۰. درست

۵۶۱. نادرست (علم خداوند به نتایج، منحصر به پایان فرآیند نیست، بلکه به سلسله تصمیم‌ها و عوامل مؤثر در آن فرآیند نیز متعلق است.)

۵۶۲. اختیار محدودی

۵۶۳. تقدیرات الهی

۵۶۴. طول-ردیف

۵۶۵. اراده

۵۷۰. هرگاه درکاری موفق شویم، احساس رضایت و خرسندی وجودمان را فرا می‌گیرد. این احساس رضایت نشانه آن است که آن کار را از خود و نتیجه اراده و تصمیم عاقلانه خود می‌دانیم.

۵۷۱. هر کدام از ما خودمان را مسئول کارهای خود می‌دانیم. به همین جهت آثار و عواقب عمل خود را می‌پذیریم و اگر به کسی زیان رسانده‌ایم، آن را جبران می‌کنیم. عهده‌ها و پیمان‌ها نیز بر همین اساس استوارند.

۵۷۲. از آن جهت که با فرمان و حکم و اراده الهی ایجاد می‌شوند. به قضای الهی وابسته‌اند.

۵۷۳. زیرا نقشه جهان با همه موجودات و ریزه‌کاری‌ها و ویژگی‌ها و قانون‌هایش از آن خدا و از علم خداست و اجرا و پیاده کردن آن نیز به اراده خداست.

۵۷۴. این اطمینان را به انسان می‌دهد که جهان خلقت حافظ و نگهدارنده‌ای دارد که در کار او اشتباه نیست و کشتی جهان به خاطر داشتن چنین ناخدایی، هیچ‌گاه غرق و نابود نخواهد شد.

۵۷۵. ناشی از قیاس کردن علم خدای متعال با علم انسان است. زیرا علم خداوند هم پایان و نتیجه امور و هم فرآیند انجام حوادث را دربر می‌گیرد. در حالی که علم انسان چنین نیست.

۵۷۶. در ساده‌ترین و آشکارترین مفهوم تقدیرها، منظور تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود است. ولی مفهوم عمیق تقدیر الهی شامل همه ویژگی‌ها، کیفیت‌ها و کلیه روابط میان موجودات می‌شود.

۵۷۷. گاهی تأثیر چند عامل در پیدایش یک پدیده این‌گونه است که یک عامل در عامل دوم اثر می‌گذارد و عامل دوم در عامل سوم تأثیر می‌کند تا اثر عامل اول را به معلول منتقل کند. برای مثال، وقتی شما قلم به دست می‌گیرید و نامه می‌نویسید، چند عامل در طول هم، در انجام این کار دخالت دارند: اول قلم که با حرکت خودروی صفحه جملات را می‌نگارد، دوم دست شما که قلم را به حرکت در می‌آورد، سوم ساختار عصبی بدن شما که موجب حرکت دستتان می‌شود، چهارم اراده شما که مقدم بر سه علت قبلی است، پنجم نفس یا روح شما که اراده از او پدید می‌آید.

۵۷۸. خیر، اختیار ویژگی ذاتی انسان است. حتی اگر بخواهد آن را انکار کند و از آن فرار کند، باز هم این کار اختیاری بوده، چون همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است.

۵۷۹. پاسخ به این سؤال را در دو بخش توضیح می‌دهیم: ۱- اعتقاد به خدای حکیم، که با حکمت خود جهان را خلق و اداره می‌کند. این اطمینان را به انسان می‌دهد که همه وقایع و رخدادهای جهان، تحت یک برنامه سامان‌دهی شده و غایتمند انجام می‌گیرد نه اتفاقی و بی‌هدف / ۲- در نتیجه، انسان خدانشناس می‌داند که فقط با زندگی در یک جهان قانون‌مند است که برای رفع نیازهای خود از آن می‌تواند استفاده کند.

۵۸۰. گزینه «۱» با مورد «ب» منطبق است. / گزینه «۲» با مورد «الف» منطبق است. / گزینه «۳» با مورد «ت» منطبق است. / گزینه «۴» با مورد «ب» منطبق است.

۵۸۱. **گزینه ۴** اختیار یک حقیقت وجدانی است و هر انسانی آن را در خود می‌یابد. مشهود بودن اختیار به این معنی است که: حتی کسی که اختیار را در سخن یا بحث انکار می‌کند در عمل از آن بهره می‌جوید. (صفحه ۵۳)

۵۸۲. **گزینه ۱** گزینه ۱ نادرست است، چون اختیار در عمل قابل انکار نیست ولی در بحث قابل انکار است. (صفحه ۵۳)

۵۸۳. **گزینه ۴** سه آیه قبل مانند اشعار فوق به قدرت اختیار انسان اشاره دارد؛ ولی گزینه ۴ مرتبط با بحث اختیار نیست. (صفحه ۵۵-۵۳)

۵۸۴. **گزینه ۱** بیت «جوب حق و پشت و پهلو آن او / من غلام و آلت فرمان او» به قدرت اختیار و انسان اشاره دارد و با توجه به این بیت اختیار، یک حقیقت وجدانی است و هر کس آن را در خود می‌یابد. (صفحه ۵۳)

۵۸۵. **گزینه ۳** با وجود روشن بودن اختیار و بی‌نیازی آن از استدلال، شواهدی بر وجود اختیار در وجود انسان است که یکی از این شواهد تفکر و تصمیمی است که با مفهوم بیت «این که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم» ارتباط مفهومی دارد. (صفحه ۵۵)

۵۸۶. **گزینه ۳** تفکر و تصمیم، هر کدام از ما همواره تصمیم‌هایی می‌گیریم و برای این تصمیم‌ها ابتدا اندیشه می‌کنیم؛ جوانب آن را می‌سنجیم و سپس دست به عمل می‌زنیم؛ گاهی نیز دچار تردید می‌شویم. مفهوم بیت «این که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم» به آن اشاره دارد. (صفحه ۵۵)

۵۸۷. **گزینه ۲** بیت بندگی کن تا که سلطانت کنند / تن رها کن تا همه جانت کنند اشاره به بحث اختیار ندارد و به توحید عملی مربوط است. (صفحه ۵۵)

۵۸۸. **گزینه ۳** اختیار حقیقتی وجدانی و مشهود و انکارناپذیر است و آیه «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ...» به همین مفهوم اشاره می‌کند. (صفحه ۵۵-۵۳)

۵۸۹. **گزینه ۲** گاهی نیز دچار تردید می‌شویم که از میان چندین راه و چندین کار کدامیک را انتخاب کنیم؛ تفکر و تصمیم. (صفحه ۵۵)

۵۹۰. **گزینه ۱** خدای متعال با همین قوه اختیار، بشر را راهنمایی کرده و او را مختار گذاشته که از راهنمایی خداوند استفاده کند. با توجه به محتوای عبارت که در خصوص هدایت خاص انسان است، می‌توان گفت: هدایت تشریحی است. (صفحه ۵۵)



۵۹۱. **گزینه ۴** احساس رضایت نشانه آن است که آن کار را از خود و نتیجه اراده و تصمیم علائنه خود می‌دانیم. این احساس ندامت نشانگر آن است که من توان ترک آن کار را داشته‌ام. (صفحه ۵۵)

۵۹۲. **گزینه ۳** مسئولیت‌پذیری: «هیچ گویی سنگ را فردا بیا ...» احساس رضایت و پشیمانی: «گر نبودی اختیار این شرم چیست...» (صفحه ۵۵)

۵۹۳. **گزینه ۱** مسئولیت‌پذیری: «هیچ عاقل مر کلوخی را زند ...» تفکر و تصمیم: «گاهی نیز دچار تردید می‌شویم ...» (صفحه ۵۵)

۵۹۴. **گزینه ۱** مسئولیت‌پذیری: عهدها و پیمان‌ها نیز بر همین اساس‌اند. مسئولیت‌پذیری: «هیچ عاقل مر کلوخی را زند/ هیچ سنگی عنابی کس کند» (صفحه ۵۵)

۵۹۵. **گزینه ۴** مسئولیت‌پذیری: اگر کسی پیمان‌شکنی کند و ... خود را مستحق مجازات می‌داند. احساس رضایت و پشیمانی: هرگاه در کاری موفق شویم احساس رضایت و خرسندی وجودمان را فرامی‌گردد. تفکر و تصمیم: برای این تصمیم‌ها ابتدا اندیشه می‌کنیم... سپس دست به عمل می‌زنیم. (صفحه ۵۵)

۵۹۶. **گزینه ۳** مسئولیت‌پذیری: «هیچ عاقل مر کلوخی را زند ...» یعنی اراده انسان در طول اراده خداست. (صفحه ۵۵ و ۶۰)

۵۹۷. **گزینه ۲** خدای متعال متناسب با همین قوه اختیار، بشر را راهنمایی کرده است. (صفحه ۵۵)

۵۹۸. **گزینه ۱** خداوند راه هدایت را پیش روی انسان قرار داده است این که انسان این راه را انتخاب کند یا نکند، به اختیار او نهاده شده است. (صفحه ۵۵)

۵۹۹. **گزینه ۱** آیه‌ای که در گزینه ۱ آمده است دلالت دارد بر اینکه اگر انسان، بد انتخاب کند خود ضرر می‌بیند و ... پس پاسخ تست است. گزینه ۲ و ۴ مربوط به حوزه قضا و قدر الهی هستند و گزینه ۳ اشاره به وجود اختیار دارد اما در مورد ضرر دیدن از انتخاب صحبتی در آن نشده است. (صفحه ۵۵)

۶۰۰. **گزینه ۳** علت: قوه اختیار است و معلول: انتخاب‌گری و گزینش‌گری. آیه «هر کس که خواست بینا شود و ...» ارتباط مفهومی با آیه صورت تست دارد. (صفحه ۵۵)

۶۰۱. **گزینه ۳** آیات گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ به اختیار مربوط است. (صفحه ۵۵)

۶۰۲. **گزینه ۱** پاسخ باید آیه‌ای باشد که بر وجود اختیار تأکید بکند که هر دو آیه در گزینه ۱ آمده است. (صفحه ۵۵)

۶۰۳. **گزینه ۱** آیه بر مفهوم هدایت دلالت دارد و این که انسان‌ها براساس اختیار خود تصمیم می‌گیرند که هدایت را بپذیرند یا نه. (صفحه ۵۵)

۶۰۴. **گزینه ۱** تدبر در قرآن: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَن عَمِيَٰ فَعَلَيْهَا ...» مفهوم آیه اشاره داد به اینکه پیروی کردن یا نکردن از هدایت الهی به خود انسان بر می‌گردد. (صفحه ۵۵)

۶۰۵. **گزینه ۱** فواید و ثمرات زندگی در جهان قانونمند: ۱. برطرف نمودن نیازها ۲. پیمودن پله‌های کمال ۳. به فعلیت رساندن استعدادها. (صفحه ۵۵ و ۵۶)

۶۰۶. **گزینه ۲** این بینش و نگرش (اعتقاد به خدای حکیم) به انسان اطمینان می‌دهد که می‌تواند در این جهان از قدرت اختیار خود بهره‌بردار و برای ساختن امروز و فردای خود و جامعه تلاش کند و ثمرات تلاش خود را مشاهده نماید. در واقع انسان در دایره قضا و قدر که او را در بر گرفته است، اختیار خود را آشکار می‌سازد. (صفحه ۵۷)

۶۰۷. **گزینه ۱** این بینش و نگرش (اعتقاد به خدای حکیم) به انسان اطمینان می‌دهد که می‌تواند در این جهان از قدرت اختیار خود بهره‌بردار. در نتیجه اعتقاد فوق انسان خداشناس می‌داند در جهانی زندگی می‌کند که قدر و قضای الهی بر آن حاکم است. (صفحه ۵۶-۵۷)

۶۰۸. **گزینه ۲** زندگی در جهانی که قدر و قضای الهی در آن حاکم است، مولود اعتقاد داشتن به خدای حکیم است و پشتوانه زندگی در چنین جهانی علم و قدرت الهی است. (صفحه ۵۶-۵۷)

۶۰۹. **گزینه ۳** این بینش و نگرش (اعتقاد به خدای حکیم) به انسان اطمینان می‌دهد که می‌تواند در این جهان از قدرت اختیار خود بهره‌بردار. پس توسعه (صفحه ۵۶-۵۷)

۶۱۰. **گزینه ۳** قضا به معنای به انجام رساندن، پایان دادن و حکم کردن است. مخلوقات جهان از آن جهت که با فرمان و حکم و اراده الهی ایجاد می‌شوند، به قضای الهی وابسته‌اند. (صفحه ۵۷)

۶۱۱. **گزینه ۲** مخلوقات جهان از آن جهت که با فرمان، حکم و اراده الهی ایجاد می‌شوند، به قضای الهی وابسته‌اند. (صفحه ۵۷)

۶۱۲. **گزینه ۴** اینکه می‌گوییم قدر و قضای الهی به جهان، حاکم است به این معناست که نقشه جهان با همه موجودات و اجرا و پیاده کردن آن نیز به اراده خداست. گزینه ۱ «۱» نادرست است، چون فقط به «برنامه‌ریزی» اشاره کرده است نه اجرا. گزینه ۲ «۲» نادرست است، چون فقط به «نقشه» جهان اشاره کرده است نه «اجرای آن». گزینه ۳ «۳» نادرست است، چون فقط به «اجرا» اشاره کرده است نه «طراحی و برنامه‌ریزی». پاسخ گزینه ۴ «۴» است که در آن هر دو مورد ارائه شده است. (صفحه ۵۷)

۶۱۳. **گزینه ۲** از آن جهت که خدای متعال با علم خود اندازه، ویژگی و حدود مخلوقات را تعیین می‌کند، مقدر به تقدیر الهی است. به این معنا که نقشه جهان با همه موجودات و ویژگی‌هایش از آن خداست. (صفحه ۵۷)

۶۱۴. **گزینه ۴** اینکه می‌گوییم قدر و قضای الهی به جهان حاکم است، به این معناست که نقشه جهان با همه موجودات و اجرا و پیاده کردن آن نیز به اراده خداست. (صفحه ۵۷)

۶۱۵. **گزینه ۱** نقشه جهان ناشی از علم خداست، پیاده و اجرا کردن آن نیز به اراده خداست. (صفحه ۵۷)

۶۱۶. **گزینه ۱** «اندازه و ویژگی» بیانگر «تقدیر» است و برخاسته از علم و حکمت الهی است. (صفحه ۵۷)

۶۱۷. **گزینه ۳** آبی که برای رفع تشنگی می‌نوشیم به سبب اعتماد به همین تقدیر و قضاست یعنی می‌دانیم که خداوند آب را با این ویژگی آفریده تا سبب رفع تشنگی شود. (صفحه ۵۷)

۶۱۸. **گزینه ۱** اصلاح یک پندار: برخی چنین پنداشته‌اند و تصور می‌کنند که تقدیر چیزی ورای قانونمندی جهان و نظم در آن است. (صفحه ۵۸)

۶۱۹. **گزینه ۳** امام به یاران خود یاد دادند که: نگرش صحیح به قوانین زندگی انسان، عامل و زمینه‌ساز تحرک و عمل انسان است. (صفحه ۵۹)

۶۲۰. **گزینه ۱** برخی تصور می‌کنند تقدیر چیزی ورای قانونمندی جهان و نظم در آن است. امام فرمود: ... نه بلکه از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم. (صفحه ۵۸)

۶۲۱. **گزینه ۳** برداشت نابه‌جای آن شخص چنین بود که حرکت و تغییر مکان و تصمیم‌گیری بر اساس دستور عقل بی‌فایده است. آن حضرت با رفتار و سپس گفتار خود این بینش را رد کرد. (صفحه ۵۹ و ۶۰)

۶۲۲. **گزینه ۲** فرو ریختن دیوار کج، یک قضای الهی است؛ اما این قضا متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار است. امام فرمودند: از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم. (صفحه ۵۹ و ۶۰)

۶۲۳. **گزینه ۲** تقدیر الهی شامل همه ویژگی‌ها، کیفیت‌ها و کلیه روابط میان موجودات می‌شود. یکی از تقدیرات الهی برای انسان این است که او دارای اختیار باشد. (صفحه ۵۹)

۶۲۴. **گزینه ۴** قضا برخاسته از حکم و اراده الهی است و قدر برخاسته از علم و حکمت الهی است. تا اینجا گزینه‌های ۳ و ۴ درست هستند. تقدیر تکیه‌گاه قضا است چرا که بی وجود تقدیر، قضا شکل نمی‌گیرد. (صفحه ۵۷)

۶۲۵. **گزینه ۲** تقدیرات الهی برای انسان این است که «او دارای اختیار باشد». «ویژگی مایع بودن به آب»، از تقدیرات است. «فرو ریختن دیوار کج» یک قضای الهی است. (صفحه ۵۸-۵۹)

۶۲۶. **گزینه ۱** «جوشش آب در درجهٔ مشخص»: بیانگر ویژگی و اندازه است پس «قدر الهی» است و «بر خورداری انسان از اختیار» نیز بیانگر قدر الهی است. اختیار در طول ارادهٔ الهی است.

۶۲۷. **گزینه ۳** از جهت پیدایش، به مفهوم قضا اشاره دارد و از جهت ویژگی‌ها به مفهوم قدر اشاره دارد.

۶۲۸. **گزینه ۳** «وجود اختیار» به تقدیر اشاره دارد و «مایع بودن» آب نیز همچنین و خروج از تقدیر ناممکن است. (انسان نمی‌تواند از اختیار که ویژگی ذاتی اوست فرار کند).

۶۲۹. **گزینه ۳** «تعیین مسیر حرکت خورشید و جایگاه‌های ماه» به تقدیر الهی اشاره دارد و حاکی از علم و حکمت الهی است.

۶۳۰. **گزینه ۳** «تعیین نقشه» با همهٔ موجودات و ریزه‌کاری‌ها و ... از علم خداست و تحقق آن وابسته به ارادهٔ خداست که اولی قدر و دومی قضاست. (صفحه ۵۷)

۶۳۱. **گزینه ۱** در پیدایش هر پدیده ممکن است چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر مشارکت کنند. در علل عرضی هر عامل به‌طور مستقیم نقش خاصی بر عهده دارد.

۶۳۲. **گزینه ۱** گاهی تأثیر چند عامل در پیدایش یک پدیده این گونه است که یک عامل در عامل دوم اثر می‌گذارد. مثلاً برای رویش گل مجموعه‌ای از عوامل دست به دست هم می‌دهند و با مشارکت یکدیگر گل را پدید می‌آورند. (صفحه ۶۰)

۶۳۳. **گزینه ۳** وقتی واژه «مراتب» را در یک عبارت می‌بینیم به این معناست که با «علل طولی» سروکار داریم.

۶۳۴. **گزینه ۱** وقتی واژه «با واسطه» را در یک عبارت می‌بینیم به این معناست که با «علل طولی» است. «اراده» در طول علل است. (صفحه ۶۰)

۶۳۵. **گزینه ۴** وجود چند عامل که هر کدام نقش خاص دارند، در توضیح علل عرضی است. (صفحه ۶۰)

۶۳۶. **گزینه ۲** استقلال در فاعلیت مخلوقات به معنی وجود چند فاعل است یعنی چند خالق. پس شرک در خالقیت است. ارتباط طولی پدیده‌ها نشان از این دارد که رابطهٔ عرضی نیست و وقتی رابطه عرضی باشد، یعنی شرک در ربوبیت پس وقتی رابطه طولی است یعنی توحید در ربوبیت. (صفحه ۷۵ و ۷۶ و ۷۷)

۶۳۷. **گزینه ۴** رابطهٔ انسان با خدا رابطهٔ عرضی نیست؛ پس گزینه «۴» مفهوم نادرستی دارد. (صفحه ۶۰)

۶۳۸. **گزینه ۳** رابطهٔ با واسطه، بیانگر علل طولی است (مثال نگارش) و رابطهٔ مشارکتی بیانگر علل عرضی است (مثال رویش گل). (صفحه ۶۰)

۶۳۹. **گزینه ۱** رابطهٔ نظام مقدر جهان و ارادهٔ انسان، رابطهٔ طولی است یعنی ابتدا نظام مقدر جهان اثر گذار است و سپس ارادهٔ انسان. (صفحه ۶۰ و ۵۹)

درس ششم

۶۴۰. ترجمه: «هر کسی طعم مرگ را می‌چشد و قطعاً ما شما را با شر و خیری آزمایش و به‌سوی ما بازگردانده می‌شوید.»

مفهوم: سنت عام ابتلاء و امتحان

۶۴۱. سنت عام امداد الهی

۶۴۲. ترجمه: «کسی که کار نیکی بیاورد، ده برابر آن پاداش می‌گیرد و کسی که کار بدی بیاورد جز به اندازهٔ آن کیفر نمی‌شود و بر آنان ستم نمی‌شود.»

مفهوم: سنت سبقت رحمت بر عذاب

۶۴۳. مراتب امتحان

۶۴۴. قانون‌مندی حاکم بر جهان خلقت ۶۴۷. حاکم بر زندگی انسان‌ها

۶۴۵. تقدیر الهی ۶۴۸. ابتلا

۶۴۹. تلاش و مجاهدت ۶۵۱. عمر را افزایش می‌دهد.

۶۵۰. عمل خود

۶۵۲. نادرست (قانون‌مندی‌ها اختصاص به پدیده‌های طبیعی ندارد و زندگی فرد و اجتماعی انسان‌ها را در بر می‌گیرد.)

۶۵۳. درست ۶۵۴. درست

۶۵۵. نادرست (خداوند امکانات رسیدن به هدف‌های هر دو گروه حق و باطل را یکسان فراهم کرده‌است.)

۶۵۶. نادرست (در کسب توفیق الهی، عامل درونی هم نقشی تعیین کننده دارد.)

۶۵۷. نادرست (آمرزش گناهان با توبه حاصل می‌شود.)

۶۵۸. درست

۶۵۹. نادرست (تأثیر اعمال انسان در زندگی او)

۶۶۰. قانون‌مندی‌های حاکم بر جهان خلقت را سنت الهی می‌نامند.

۶۶۱. در لغت به معنای امتحان است.

۶۶۲. به معنای آسان نمودن است.

۶۶۳. به معنای قراردادن فرد در تنگنا یا موقعیتی است که صفات درونی خود را بروز دهد و درستی یا نادرستی آن‌چه که ادعا کرده، مشخص سازد.

۶۶۴. از آنجا که خداوند به بندگان خود محبت دارد، با همهٔ آنان، چه نیکوکار و چه گناه‌کار، به لطف و مهربانی رفتار می‌کند؛ یعنی حتی آنجا که خداوند بر کسی غضب می‌کند، بازهم از دریچه لطف و رحمت است.

۶۶۵. قطع رحم و بی‌محبتی به خویشان، عمر را کاهش می‌دهد. احسان به والدین، امانت داری، لقمه حلال، آب دادن به درخت تشنه، سیراب کردن حیوانات و نیز برطرف کردن اندوه و غصهٔ دیگران، زندگی را بهبود می‌بخشد.

۶۶۶. امداد خاص خدای متعال نسبت به آنان که با نیت پاک قدم در راه حق می‌گذارند و سعادت جهان آخرت و رضایت پروردگار را هدف خود قرار می‌دهند، توفیق الهی نام دارد.

۶۶۷. در امتحان بشری ما غالباً از حقیقت درون افراد بی‌خبر هستیم و می‌کوشیم تا از طریق امتحان کردن آن‌ها به آگاهی لازم برسیم؛ ولی امتحان خداوند علیم برای آگاه شدن از درون افراد نیست، بلکه برای رشد دادن و به‌ظهور رساندن استعدادها و نشان دادن تمایلات درونی افراد است.

۶۶۸. مردم در مقابل دعوت انبیاء به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای به ندای حقیقت پاسخ مثبت می‌دهند و هدایت الهی را می‌پذیرند، و دسته‌ای لجاجت ورزیده و در مقابل حق می‌ایستند. خداوند، سنت و قانون خود را بر این قرار داده که هر کسی، هر کدام از این دو راه را برگزیند، بتواند از همین امکاناتی که خدا در اختیارش قرار داده استفاده کند تا در همان مسیری که انتخاب کرده است، به پیش رود و باطن خود را آشکار کند. سنت حاکم بر هر دو گروه را امداد می‌نامند.

۶۶۹. با توجه به آیهٔ شریفه، چنانچه مردم شهرها ایمان و تقوا پیشه کنند، از برکات الهی در آسمان و زمین برخوردار می‌گردند؛ ولی اگر راه حق و حقیقت را تکذیب نمایند، گرفتار شده و به کیفر اعمالشان می‌رسند، زیرا نخست خداوند به آن‌ها مهلت می‌دهد تا بلکه از خواب غفلت بیدار شوند، اما آن‌ها این فرصت را وسیلهٔ غوطه‌ور شدن در تاریکی‌ها قرار می‌دهند.

۶۷۰. الف) کسی که گرفتاری‌ها را امتحان الهی می‌داند، آن را وسیله‌ای برای رشد معنوی خود تلقی می‌کند؛ اما کسی که گرفتاری‌ها را پیشامد طبیعی می‌داند، از خدا ناامید شده و از او دور می‌گردد.

ب) کسی که مصیبت‌ها را امتحان الهی می‌داند، صبوری پیشه می‌کند و قدرت تحملش بیشتر می‌شود؛ اما فردی که مصیبت‌ها را طبیعی تلقی می‌کند، تحمل مواجه شدن با آن‌ها را ندارد و همواره بی‌تابی می‌کند.

